

دکتر فرانسوی دانشگاه مشهد را پراند!

نگاهی به تاریخچه شکل‌گیری دانشکده پزشکی مشهد که فراز و نشیب بسیار داشته است

مشهد از دوره صفوی به این‌سو یک مرکز درمانی با نام دارالشفاء دارد اما اگر میان اسناد آن دوره نگاه کنیم، ردونشانی از آموزش و تدریس علم طبابت پیدا نمی‌کنیم. علم پزشکی در این دوره‌ها به‌صورت تجربی از پدر به فرزند منتقل می‌شود و درواقع فرزندان اطبا هستند که بیشتر درکنار پدر به‌عنوان شاگرد حضور می‌یابند. این رویه تا اواخر دوره قاجار و هنگام حضور دکتر امیرخان امیراعلم در مشهد و تشکیلات بهداشتی آستان قدس ادامه دارد. اوست که پزشکی نوین را در مشهد بنیان می‌گذارد و با توصیه‌هایش در سال ۱۲۹۵ خورشیدی درباره راه‌اندازی یک بیمارستان بزرگ و مدرن، زمینه شکل‌گیری و ساخت بیمارستان شاهرضا(امام‌رضای فعلی) را بین سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۳ خورشیدی فراهم می‌کند. نخستین پزشکان نوین مشهد، عموماً خارجی هستند؛ میانشان البته تعدادی ایرانی فارغ‌التحصیل خارج یا دانش‌آموخته دارالفنون و مدرسه‌عالی طب و دواسازی تهران نیز حضور دارد اما وجود مجهزترین و بزرگ‌ترین بیمارستان آن روزها، ایجاب می‌کند که اقداماتی نیز برای تأسیس دانشکده پزشکی و آموزش علم طب در مشهد انجام بگیرد.



روزنامه نگار حسین نیاذ

بیمارستانی که فکر دانشکده را آورد

نخستین تلاش برای ایجاد دانشکده طب در مشهد، یک‌ماه پس از آغاز به‌کار بیمارستان شاهرضا آغاز می‌شود. علی‌اصغر حکمت، کفیل وزارت فرهنگ، در ۱۳۱۳/۸/۲۱ پیشنهاد ایجاد شاخه‌ای از دانشکده طب را در مشهد مطرح می‌کند و می‌نویسد: «در این موقع که با توجهات مخصوصه بندگان و اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه، مریض‌خانه شاهرضا در مشهد دایر گردیده و موجدیات آسایش زائرین و مجاورین فراهم شده است، وزارت معارف نیز درنظر دارد که برای شرکت در اجرای منویات عالی‌ملوکانه و ترقیه حال عامه جهت تکمیل آن مؤسسه، شعبه[ای] از دانشکده طب در مشهد تأسیس کند. حال چنانچه مریض‌خانه مزبور از حیث اطبا مخصوصاً چهار رشته جراحی، طب داخلی، اصول تدای و فیزیولوژی مجهز است و اصولاً انجام این منظور موافقت دارند، متمنی است مقرر فرمایند اطلاعات مشروحی راجع به اینکه تا چه اندازه از نظر اشخاص، اسباب[و] وسایل فراهم می‌باشد و تا چه مدت مقدمات آن انجام خواهد گرفت، تهیه کرده، هرچه زودتر به وزارت معارف اطلاع دهند که با مطالعه دقیق و درنظر گرفتن احوال و اوضاع محل در سنه آتیبه به افتتاح دانشکده طب مشهد اقدام شود.

این پیشنهاد به نتیجه نمی‌رسد اما کلاس‌های پرستاری در بیمارستان شاهرضا دایر می‌شود. پروفیسور «هامر شلاک»، مدیر آلمانی بیمارستان، اواسط زمستان ۱۳۱۳ در اطلاعیه‌ای از تأسیس کلاس پرستاری از اول فروردین ۱۳۱۴ خبر می‌دهد و اعلام می‌کند: «کلاسی مخصوص آموزش فن پرستاری، به‌صورت جداگانه- مردان و زنان- در بیمارستان برگزار خواهد شد. همچنین مهرماه ۱۳۱۵ با مساعدت این بیمارستان، آموزشگاه پرستاری افتتاح می‌شود اما خبری از دانشکده طب نیست.

دستور دربار برای مشهد

همچنان که طرح تأسیس دانشکده طب، معطل مساعدت وزارت معارف است، در مشهد اقداماتی ویژه راه‌اندازی مرکزی برای تعلیم پزشکان انجام می‌گیرد تا دواطلبانی که‌گواهی‌نامه سال سوم دبیرستان را دارند، در بیمارستان شاهرضا برای طبابت در شهرهای کوچک و مناطق محروم، تربیت شوند.

ماجرای دانشکده طب پس از کش‌وقوس‌های فراوان به پاییز ۱۳۱۸ می‌رسد، جایی که پس از پیگیری‌های پاکروان، رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی در ۱۲ آذر به نخست‌وزیر می‌نویسد: «از نایب‌التولیه آستان قدس رضوی پیشنهادی رسیده که نظر به فراهم بودن وسایل در بیمارستان شاهرضا، دانشکده پزشکی در آنجا تأسیس شود و در این باب، با وزارت فرهنگ و اداره کل بهداری هم مکاتبه نموده‌اند ولی نتیجه حاصل نشده. حال رونوشت نامه رئیس کل بهداری را که اخیراً در مشهد بوده و مطالعات لازمه کرده، تقدیم داشته‌اند که مهیا بودن وسایل تدریس و لزوم تأسیس دانشکده را تصدیق می‌نمایند. نایب‌التولیه هم از لحاظ عمران کشور و زیاد شدن عده پزشکان در شهرها و دهات، تأسیس این آموزشگاه را ضروری می‌داند. مراتب به عرض پیشگاه مبارک اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی رسید و موردتوجه و تصویب واقع شد و مقرر فرمودند تأسیس این قبیل بنگاه‌ها در نقاط مهمه کشور برای توسعه بهداری و پیشرفت کار عمران، سودمند خواهد بود و نظر به استعداد بیمارستان شاهرضا، خوب است فعلاً از مشهد شروع شود، لکن باید مقرراتی وضع شود که شاگردان پسر از ختم تحصیلات، مکلف و متعهد باشند به هرجا که دولت لازم بداند، برای امور بهداری و پزشکی بروند. مراتب به جناب‌عالی ابلاغ می‌گردد که به‌وسیله وزارتخانه‌های مربوطه، اقدام در اجرای امر مطاع مبارک بفرمایید و نتیجه را به عرض برسانید».

نخستین آموز‌شگاه پزشکی ایران در مشهد

به نظر می‌رسد بعد از فرمان رضاشاه، خروجی کمیسیون نخست‌وزیری، مسیر تأسیس دانشکده پزشکی را بسیار هموار کرده است. کمااینکه در نامه‌های ۱۲۷ و ۴۰ دی دفتر مخصوص شاهنشاهی تأییدشده است که: «دانشکده پزشکی مشهدهرسال به‌اندازه کفایت دانشجو خواهد داشت» و می‌توان «برای اول سال تحصیلی آینده، شروع به کار نمود، و فعلاً باید این مورد در مشهد اقدام به عمل آید و شهرستان‌های دیگر به بعد موکول گردد». اما گزارش و نظر پروفیسور شارل اوبرن(به فرانسوی Charles Oberling)، دومین رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، همه‌چیز را تغییر می‌دهد. او در گزارشی به وزارت فرهنگ، از تجربه کشورش در تأسیس آموزشگاه‌های پزشکی می‌گوید و ایجاد دانشکده پزشکی را کارساز نمی‌داند. پیشنهاد ابرن که ۵ فروردین ۱۳۱۹ به اطلاع نخست‌وزیر می‌رسد، این است: «فعلاً در آنجا آموزشگاه مختصر پزشکی برای تربیت مأموران بهداشت دایر شود و مأمورینی تربیت شوند که فقط در دهات و نقاط کوچک به طبابت بپردازند».

براساس این پیشنهاد، مأموران پس از سه سال این امکان را می‌یابند و وزارت فرهنگ که با پیشنهاد پروفیسور موافق است، از نخست‌وزیری می‌خواهد: «اجازه فرمایید از تأسیس دانشکده پزشکی در مشهد که تهیه وسایل آن ازقبیل آزمایشگاه و تالار تشریح با اوضاع فعلی غیرمقدور است، صرف‌نظر و به‌جای آن یک آموزشگاه پزشکی دایر شود.

وزارت فرهنگ ۱۵ دیبهشت در یک‌نامه دیگر و در مقام مقایسه بین شهرهای تبریز، اصفهان، شیراز و کرمان به نخست‌وزیر می‌نویسد: «شهر مشهد به‌علت دارا بودن بیمارستان‌های کافی در درجه اول برای این منظور مناسب است و برای سال تحصیلی آینده، می‌توان به تأسیس نخستین آموزشگاه پزشکی برای این منظور در آن شهر اقدام کرد».

درنهایت این پیشنهاد را دربار نیز می‌پذیرد و دانشکده پزشکی در مشهد، جای خود را به «آموزشگاه عالی بهداشت» می‌دهد.

فعلاً غیر عملی به نظر می‌رسد

تأسیس دانشکده طب به‌دلیل «کمبود پزشک و وفور بیماری‌ها در نقاط دور» مشهد، بار دیگر ۱۸ آبان ۱۳۱۶ در دوره ریاست دکتر محمد معاضد بر بیمارستان شاهرضا، مطرح می‌شود. او در نامه‌ای به همین تاریخ به پاکروان، استاندار خراسان که نایب‌التولیه آستان قدس رضوی نیز هست، طرح تأسیس دانشکده طب را در بیمارستان شاهرضا پیشنهاد می‌دهد. دوازده روز بعد، پاکروان همین پیشنهاد را به‌علی‌اصغر حکمت، وزیر فرهنگ، می‌دهد. پاسخ این درخواست، مشخص می‌کند که چرا ایجاد دانشکده طب در سال ۱۳۱۳ به نتیجه نرسیده است، «وسایل تأسیس دانشکده طب در مشهد فراهم نیست، زیرا دانشکده طب تهران که چندین سال است تأسیس شده و با آن که یکی از قدیمی‌ترین دانشکده‌های ایران است و همه‌روزه وزارت معارف در رف نفص آن می‌کوشد، هنوز کامل نشده است، چگونه ممکن است در مدت قلیلی در مشهد، وسایل تأسیس دانشکده طب را به‌خصوص از حیث تالار تشریح و لابراتوار فراهم نمود؟ به‌علاوه دواطلب به‌اندازه کافی وجود نخواهد داشت، بنابراین به عقیده این وزارتخانه، تأسیس دانشکده طب فعلاً در مشهد غیرعملی به نظر می‌رسد. بهتر

دانشکده؛ سال بعد

پس از فرمان رضاشاه است که کمیسیونی در روزهای ۲۱ و ۲۲ آذر ۱۳۱۸ با مشارکت دکتر بهرامی، رئیس اداره کل بهداری کشور و دکتر ادیب، معاون دانشکده پزشکی تهران، به نمایندگی از طرف وزارت فرهنگ در دفتر معاونت نخست‌وزیری تشکیل می‌شود و موضوع تأسیس دانشکده پزشکی در مشهد را بررسی می‌کند. در صورت‌مجلس این جلسات آمده است: «چون از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۸ مجموعاً ۱۶۹ تن در مشهد، تحصیلات دوره علمی دبیرستان را به پایان رسانده‌اند و همه‌ساله نیز به شمار آن‌ها افزوده می‌گردد، لذا می‌توان با درنظرگرفتن ثکات زیر، دانشکده پزشکی را در آن نقطه تأسیس نمود. ۱- برنامه و سایر مقررات دانشکده پزشکی مشهد طبق مقررات دانشکده پزشکی تهران خواهد بود. ۲- چون چند نفر پزشک دیپلمه در مشهد و در بیمارستان شاهرضا مشغول انجام‌وظیفه هستند، در درجه اول طبق مقررات

است هرقدر ممکن است، دانشجویان را تشویق و ترغیب کنید که برای تکمیل تحصیلات عالی‌به تهران بیایند». اگرچه وزارت فرهنگ که خود نخستین‌بار پیشنهاد راه‌اندازی دانشکده طب را مطرح کرده است، حالا با دایر کردن آن مخالف است، خیلی‌های دیگر همچون دکتر ابوالقاسم بهرامی، رئیس کل بهداری کشور، با پاکروان هم‌نظر هستند. دکتر بهرامی که به‌دلیل شکستگی بازوی چپش در جریان بازدید، به‌ناچار حدود پانزده روز در بیمارستان شاهرضا بستری می‌شود، به استناد سند شماره ۹۰۴۴۵/۹۱ موجود در مدیریت اسنادومطبوعات آستان قدس رضوی، شرایط مشهد و بیمارستان شاهرضا را برای داشتن دانشکده طب، مطلوب می‌داند و تأیید می‌کند: «این نگاه از حیث تجهیزات و موقعیت، عجالتاً در کشور شاهنشاهی، بی‌نظیر است و از نقطه‌نظر فنی نیز به‌نحو احسن اداره می‌گردد. این بیمارستان واجد تمام شرایط و لوازم برای تربیت پزشکان وزبده مناسب با شئون امروزی کشور می‌باشد، به‌خصوص احتیاج میرمی که به پزشک داریم، از این نقطه‌نظر مورد استفاده واقع شود... وجود بیمارستان شاهرضا در مشهد با وسایل کافی[ای] که برای تربیت پزشک کاردان دارد و منحصراً به این استان می‌باشد، از هر اقدامی مقدم‌تر، لزوم تربیت پزشک را ایجاب می‌نماید».

از وجود آن‌ها استفاده شده و درصورت لزوم، دانشیاران دیگری هم از مرکز توسط وزارت فرهنگ اعزام شوند. ۳- استادان و دانشیاران دانشگاه که در بیمارستان هم مشغول انجام‌وظیفه هستند، تعلیمات بالینی را در بیمارستان و تعلیمات نظری را در دانشکده تأمین نمایند، طبق این صورت‌مجلس، پیشنهاد شده است که «دانشجویان از سال‌های اول در بیمارستان شاهرضا به‌عنوان نوکار و کارورز مشغول خدمت باشند و بعد از اتمام تحصیل به‌نقاطی که بهداری احتیاج دارد، اعزام[شوند] یا در مشهد از وجود آن‌ها استفاده بشود، برگزارکنندگان این جلسات می‌نویسند: بدیهی است اجرای این امری‌که وسایل آن فعلاً در مشهد بهتر از سایر نقاط فراهم است»، دارای مزایایی است که پیشنهاد می‌دهند: نظر به اینکه فعلاً سه ماه از سال تحصیلی گذشته و تأسیس دانشکده پزشکی محتاج به مقدمات دیگری ازقبیل تهیه محل و اثاثیه و غیره می‌باشد، درصورتی که از حالا اقدام شود، برای اول سال تحصیلی آینده، می‌توان شروع به کار نمود».



مشهد و اولین آموزشگاه کشور

در سال ۱۳۱۹ پروفیسور ابرن مأموریت پیدا می‌کند ضمن بازدید از بیمارستان شاهرضا و بررسی امکانات موجود آن، برای تأسیس اولین آموزشگاه عالی بهداشت در مشهد تصمیم‌گیری کند. با موافقت او و نامه‌ای که وزیر فرهنگ ۲۶ خرداد۱۳۱۹ به نایب‌التولیه آستان قدس می‌نویسد، تأسیس آموزشگاه عالی بهداشت در مشهد و پذیرش دانشجو اعلام می‌شود. این‌گونه است که در مهر ۱۳۱۹ آموزشگاه عالی بهداشت در دبیرستان فردوسی تشکیل می‌شود. ازآنجا که اواخر سال گذشته، دکتر حسین سامی‌راد سخنرانی مهیجی درباره وضعیت بیماری‌های واگیر شهر مشهد در دبیرستان

توس و انصراف نیمی از دانشجویان

اولین کلاس درس آموزشگاه درباره فیزیولوژی بدن است و دکتر سامی‌راد تدریس آن را برعهده دارد. دکتر احمد سالاری نیز به‌عنوان اولین معلم تشریح در آموزشگاه فعالیت می‌کند. اولین جلسه از کلاس دکتر سالاری، باعث می‌شود دانش‌آموزان زیادی از تحصیل در آموزشگاه انصراف بدهند. بیش از نیمی از دانش‌آموزان با دیدن جسد، حاشا بن بد می‌شود و انصراف می‌دهند، بنابراین فقط ۳۲ دانش‌آموز برای نخستین آموزشگاه عالی بهداشت کشور باقی می‌مانند. آن‌ها همان‌ها هستند که سال ۱۳۲۴ فارغ‌التحصیل شده، برای خدمت به شهرهای خراسان اعزام می‌شوند. این آموزشگاه اگرچه در سال ۱۳۲۸ به سومین دانشکده پزشکی کشور تبدیل می‌شود و روز ۲۷ شهریور همین سال، نخستین آگهی پذیرش دانشجو برای سال اول دانشکده پزشکی مشهد انتشار می‌یابد، به‌ناچار تا سال ۱۳۳۳ فعال می‌ماند تا آخرین دانش‌آموزانش نیز فارغ‌التحصیل شوند. درمجموع حدود ۱۶۱ نفر از این آموزشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند.

مَشْهُدِیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (صفت نودوهم)

سرگذشت بازار مشهد (بخش پنجم)

مرضیه ترابینا در قسمت قبل و در ادامه بررسی سابقه و تاریخ بازار مشهد، به نقش این نهاد اقتصادی در شکل گرفتن تأسیسات و زیرساخت‌های گوناگون شهر مشهد اشاره کردیم و توضیح دادیم که چگونه، بسیاری از مراکز مهم شهر، مانند مسجد جامع و مدارس علمیه بزرگ در حاشیه بازار ساخته شد و بازار به دلیل جایگاه ویژه اقتصادی، در اجرای بسیاری از مراسم ملی و مذهبی مشارکت جدی داشت. شاید به همین دلیل و با وجود ساخته‌شدن خیابان مشهد در دوره صفویه، مسیر بازار سرشور همچنان به عنوان مسیر اصلی هیئات عزاداری باقی ماند و آن‌ها به جای طی طریق از راه عریض و مستقیم خیابان، عموماً خود را به بازار سرشور می‌رساندند تا از این مسیر وارد صحن عتیق شوند. افزون بر این، بازار در جریان بسیاری از وقایع سیاسی دوران معاصر مشهد، از مشروطه تا امروز، نقش ویژه‌ای ایفا کرده‌است که در قسمت‌های بعد برخی فرازهای آن را مرور می‌کنیم. اما در این قسمت و در ابتدا، باید بحث مربوط به گسست اول در بازار مشهد را به پایان برسانیم.

● تکمیل بحث انشعابات بازار در گسست اول

گفتیم که از عوارض ساخته شدن خیابان و توسعه صحن عتیق، گسست در بازار مشهد و کاسته شدن از طول بخش شمالی آن – به اندازه عرض صحن عتیق – بود. این مسئله، در کنار افزایش جمعیت زائران که به دلیل امنیت ایجاد شده در دوره صفویه، شمارشان هر روز بیشتر می‌شد، سبب شد بازار بر اساس ظرفیت جدید، توسعه خود را در انشعابات اطراف مسیر اصلی افزایش دهد. احتمالاً در همین زمان بود که بر آمار سراها و تیمچه‌های شهر مشهد افزوده شد و در کنار سراهای معروفی مانند سرای سلطانی (سرای سلطانیم) که مربوط به دوره شاه تهماسب یکم بود – و تا دوران معاصر دوام آورد – سراها و تیمچه‌های متعددی در مسیر بازار ایجاد کردند تا ظرفیت اقتصادی آن کم یا محدود نشود. تأسیس این بازارها، کاملاً نیازسنجی‌شده بود، یعنی بانی مؤسس آن‌ها صرفاً برای اینکه ناشی در تاریخ مشهد باقی بماند، دست به کار نمی‌شد و سرا و تیمچه نمی‌ساخت. مثلاً وقتی میرزاقلی... وزیرنظام در سال ۱۲۱۰ قمری (۱۲۲۳ خورشیدی)، مأمور ایالت خراسان شد و دست به فعالیت‌های گسترده عمرانی در مشهد و تمرکز فعالیت در قالب یک بخش از بازار، رنج می‌برد از فقدان تمرکز فعالیت در مقابل یک بخش از بازار، رنج می‌برد و به همین دلیل، سرا یا بازار وزیرنظام را در شمال مدرسه «دور» بنا کرد، فضایی تجاری که دست‌کم تا زمان تخریب بزرگ در دهه ۱۳۵۰ دوام آورد و طی این دوران حدود صدویست‌وپنج ساله، اصناف مختلف و متنوعی در آن مستقر شدند. در دوران معاصر، صنف کلاه‌دوزها، صحاف‌ها، چرم و تیماج‌فروشان (تیماج: پوست دباغی شده) و کفاش‌ها در این بازار فعال بودند و فیروزه‌تراش‌ها هم بعد از تخریب تیمچه حکاک‌ها که به صورت سنتی محل استقرارشان بود، در سرای وزیرنظام مستقر شدند. ورودی این سرا به مسیر بازار اصلی مشهد متصل بود، اما می‌توان برای سرای وزیرنظام، هویتی مستقل از بازار بزرگ مشهد تصور کرد. دیگر بازارهای فرعی و منشعب از بازار بزرگ هم همین‌طور بودند، بازارهایی مانند بازار «زرگ‌ها» و «نقاره‌خانه، یا بازار «نقیب» که در دو طرف سردر نقاره‌خانه در ورودی شرقی صحن عتیق قرار داشتند و حتی فضای تجاری این دو بازار، دست‌کم در دوره قاجار، تا داخل فضای صحن نو (آزادی) کشیده شده‌بود و این وضعیت با توجه به واگذاری برخی حجره‌های داخل صحن به اصناف گوناگون، در قالب اجاره، برای چند دهه برقرار بود. البته این دو بازار، با مسیر اصلی بازار مشهد ارتباط مستقیم نداشتند، اما باید آن‌ها را زاییده تغییراتی بدانیم که در دوره صفویه و برای تغییر ساختار شهری و توسعه عمرانی در حرم رضوی و مشهد اتفاق افتاد. در قسمت قبل به بازار «ساعت» و «تولی» هم اشاره کردیم که در واقع انشعاب‌های واضح‌تری از بازار بزرگ مشهد محسوب می‌شدند، احمد ماهوان درباره این دو بازار می‌نویسد: در مجاورت بزرگ بالاخیابان در محل کتابخانه فعلی یک بازار کوتاه به نام بازار ساعت بود که لباس فروش‌ها در آن استقرار داشتند. این بازار در نزدیکی صحن با یک پیچ به سوی فلکه حضرت در مقابل باغ رضوان می‌رسید که قطعه دوم آن را بازار متولی می‌گفتند، مساور و منقل و ظروف خاکنی فلزی(ساخته‌شده از روی مس و برنج) و دیگر اجناس از قبیل صندوق و چمدان‌های فلزی در آن عرضه می‌شد». در واقع این بازارهای منشعب، در محدوده داخل فلکه حضرت، از حداقل فضا برای ایجاد موقعیت تجاری استفاده می‌کردند و همان‌طور که گفتیم، فضای منضم شده بازار قدیم را اماکن، به نحو مناسبی احیا کرده‌بودند.

● دومین گسست بزرگ در بازار مشهد

اینکه بحث درباره گسست نخست در بازار مشهد را با صحبت درباره حواشی فلکه حضرت به پایان رساندیم، تصادفی نبود، واقعیت آن است که سبب بروز دومین گسست بزرگ در بازار مشهد، ساخته شدن همین فلکه حضرتی است. فلکه حضرتی را باید محصول ورود مشهد به عصر مدرن‌سازی شهرها و تغییر الگوهای ساختاری آن‌ها در قرن بیستم بدانیم. این تغییرات، با توجه به رشد سریع صنایع و فناوری‌ها، به‌ویژه اختراعات مربوط به حوزه حمل‌ونقل، اجتناب‌ناپذیر بود و نمی‌توان به اصل اجرای آن‌ها خرده گرفت. خیابان‌های باریک و کوچه‌های مسقف مشهد، به‌ویژه در اطراف حرم رضوی، اصولاً ظرفیت عبورومرور وسایل نقلیه جدید را نداشت و خودروهای جدید، برای تردد از بالاخیابان به پایین‌خیابان، تقریباً راهی جز خروج کامل از شهر و دور زدن آن نداشتند و این مسئله، با توجه به وضعیت راه‌ها و هزینه سوخت، کار را دشوار می‌کرد. شاید علت اینکه بخش مهمی از نخستین گازراه‌های شهر مشهد، در میدان ارگ مستقر بودند و اتوبوس‌ها و کامیون‌های قدیمی، چندان به حرم رضوی و بافت اطراف آن نزدیک نمی‌شدند، همین بوده باشد. – ما در قسمت‌های بعدی مشهدیات، درباره تاریخ خیابان ارگ و میدان زیبا، اما فراموش شده‌اش، به تفصیل سخن خواهیم گفت – به هر حال این وضعیت، باید به‌شکلی اصلاح می‌شد که تمرکز حمل‌ونقل، دوباره در محدوده حرم رضوی برقرار باشد؛ این اقدام، هم از نظر تسهیل امور زائران و هم از باب کمک به چرخه فعالیت‌های تجاری که در بازار مشهد متمرکز بود، موضوعیت و ضرورت داشت. به همین دلیل، طرح ایجاد فلکه جنوبی و در پی آن، ساخت فلکه شمالی، در حدود سال ۱۳۰۸ خورشیدی آغاز شد و تا حدود سال ۱۳۱۳ خورشیدی به پایان رسید. بر این اساس، دور تا دور حرم مطهر و به شکل دو نیمه‌دایره، با عرض مناسب تردد وسایل نقلیه، معبری بزرگ ایجاد کردند، معبری که برای ساخت آن، باید حجم وسیعی از ساختمان‌های استقرار یافته در این بخش تخریب می‌شد. اینکه ایجاد فلکه حضرتی با همه محاسنش، چه بلایی بر سر بافت اطراف حرم آورد و گسست ناشی از آن، چگونه باعث اضمحلال ساختار معماری اطراف حرم شد، بحثی جداگانه است که اگر فرصت کردیم، یک بار و به تفصیل، در مشهدیات به بررسی آن خواهیم پرداخت، اما نکته مهم در بحث فعلی ما، تأثیر این تغییر الگو بر ساختار و شکل بازار باستانی مشهد است.

ادامه دارد...

منابع: اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی. اسناد مرکز اسناد آستان قدس رضوی. کتاب «شناسایی و معرفی اولین‌های شهر مشهد»، تألیف غلامرضا آذری‌خاکستر.

دکتر حسین سامی‌راد

شهر

۳ شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲ (۲۴ شهریور ۱۴۰۲) ۱۵



تاریخ و هویت